

واژه‌های پارسی (۵)

محمد حسن نبوی، عضو هیئت تحریریه

در شماره‌های گذشته به گونه‌ای، از پسوندهای همانندگی یاد شد و نمونه‌وارهایی نیز در میان نهاده شد. از توانایی‌های بسیار ارزنده و چشمگیر زبان پارسی و برتری‌های آن بر زبان‌های سامی، در نوشتار استاد بزرگ (پروفیسور) دکتر حسابی به روشنی برگویی شده است (پیش در آمد فرهنگ زبان). ایشان با روش ریاضی نشان داده است که بکارگیری پسوندها و پیشوندها، با واژه‌های ریشه‌ای زبان، پیش از ۲۲۶ میلیون واژه را می‌توان بدست آورد که برای یافتن واژه‌های دانشی یا هم‌ارز واژه‌های روزافزون دانش و فن، بسیار کآمد و توانمند می‌باشد.

۱- یکی از پسوندهای زبان پارسی "ه" می‌باشد که با پیوستن آن به دنبال نام واژه‌ها، فروزه‌ها (صفت) و کار واژه‌ها می‌توان واژه‌هایی را ساخت که به‌ویژه در دانش‌های زمین‌شناسی، زمین‌ریخت‌شناسی، کانی‌شناسی و... بسیار کارساز تواند شد. نمونه‌وارهایی از این پسوند در زیر می‌آید.

- پیوستن به کار واژه‌ها: از لغزیدن؛ (لغزه + ه = لغزه) در زمین لغزه (landslide) از لرزیدن؛ (لرز + ه = لرزه) مانند زمین لرزه، بوم لرزه (همان زمین لرزه است) که در برخی از شهرها مانند یزد، تیس و... بکار می‌رود.

از گسلیدن؛ گسل (گسل + ه = گسله) که شور بختانه آن را گسل می‌نویسند (هم‌ارز fault) در این زمینه، در شماره‌های گذشته، درست تر بودن گسله از "گسل" سخن به میان آمده است. در همین چند ماه گذشته که زمین لرزه‌ها در ایران زمین، ویرانی و کشتار کرده‌اند، بارها و بارها در نوشتارها، گفتارها، همچنان از "گسل" یاد کرده‌اند!؟

از تنجیدن؛ تنج (تنج + ه = تنجه) پیشنهاد برای جایگزین کردن آن و کنار نهادن "کرنش". Strain چنین می‌نماید که ارج نهادن به کار بزرگان دانش و فن، در دست فراموشی است. در واژه‌نامه‌ی ۵۵ استاد، در سال ۱۳۳۸^(۱)، این واژه‌ی گسله، پیشنهاد شده بود و چند سالی هم در کتاب‌های دبیرستانی بکار برده شد و افسوس که دنباله‌دار نشد.

گرچه امروزه، هر دو واژه، در نوشتارهای دانشی، دیده می‌شود. در نمونه‌وارهای یاد شده در کتاب پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی (۲) های به نام "ها" ی کارکردگی (مفعولی) خوانده می‌شود و با افزودن آن به سوم کس کار واژه‌ی دستور دان، بدست می‌آید.

- پیوستن به نام واژه: برای همانند بودن نام واژه‌ی نوین به آن نام می‌باشد. از چند نمونه‌وار یاد می‌شود. دیوار + ه = دیواره (cliff)، پشت + ه = پشته، کف + ه = کفه (flat) مانند رس کفه (clayflat)، دامن + ه = دامنه، آبراه + ه = آبراهه، باد زن + ه = بادزنه (naf در alluvial fan)، کران + ه = کرانه مانند کرانه‌ی دریای مکران (عمان)

خاک + ه = خاکه، کلوخ + ه = کلوخه، مغز + ه = مغزه (core)، درز + ه = درزه (Joint) نگاره + ه = نگاره (به جای "عکس در نوشتارهای دانشی، (figure) پیکر + ه = پیکره (به جای شکل در نوشتارها، سربار + ه = سرباره، رگ + ه = رگه

- پیوستن به فروزه (صفت) که واژه‌ی نوین آن یک نام واژه می‌شود (اسم): واژه‌ی نوین مانند فروزه، به تنهایی بکار نمی‌رود و باید با نام دیگری همراه شود تا آرش (معنا) سخن آشکار شود.

نمونه‌وارهایی چند: نرم + ه = نرمه، زرد + ه = زرده، چرب + ه = چربه (زرده و چربه در کناره‌ی کویرها دیده می‌شود. چربه خاکی است که در آن نمک پتاسیم شناخته شده است. زرده کم و بیش خاک زرد و شوری است که در بیشتر کویرها، یافت می‌شود.

شور + ه = شوره (شوره زار، خاک‌های شور که نمک آنها بالا آمده و به‌گونه‌ی پوشش روی خاک خودنمایی می‌کند، ریز + ه = ریزه (ریزه‌های سنگی یا فلزی و...، تنگ + ه = تنگه (gorge)، سپید + ه = سپیده، بنفش + ه = بنفشه (گل)، پهن + ه = پهنا (area)، راست + ه = راسته مانند راسته تونل، زرینه، سیمینه و تلخه رودها نیز در این گروه می‌باشند.

۲- درباره‌ی وندهای زبان پارسی (پسوند، میانوند، پیشوند) نوشتارها فراوانند. بهره‌گیری از آن‌ها بسیار سودمند می‌باشند. در نوشتار صمصامی (۱۳۴۶)^(۱)، برای پسوند "ه" آمده است که این پسوند برای ۲۱ گونه و ویژگی بکار برده می‌شود. در اینجا تنها سه زمینه‌ی آن‌ها در میان نهاده شد که بیشترین کاربرد را دارند.

پسوندی که به تازگی در نوشتارها سرباز کرده است:

ترا: هم‌ارز Trans در زبان انگلیسی است. این پیشوند را فرهنگستان یکم از نوشتارهای اوستایی، برون کشیده، پیشنهاد کرده است که در

۱- آرام، اصفیا، گل‌گلاب، مصاحب، مقربی

واژه‌ی ترابری transport سالهاست بکار رفته است. کاربردهای دیگر آن که تازه است، در دانش زمین‌شناسی آمده است. اما بایسته است درباره‌ی واژه‌هایی که با این پیشوند ساخته شده. نکته‌های پایه‌ای زیر در میان نهاده شود.

در واژه‌نامه‌ی ۵ استاد یاد شده، این پیشوند هم ارز trans آمده اما چونی آن روشن نشده است. این پیشوند هنگامی بکار برده می‌شود که از این سو به آن سو، اینجا به آنجا از یک چیز به چیز دیگر، دگر شده‌های ویژه را برساند. به سخن دیگر بیشتر با وابسته‌های کار واژه‌ای خواهد بود. مانند تراکنش هم ارز. Transaction در سالهای گذشته که شناخت روشنی از این پیشوند (ترا) در دست نبود، هم ارزهای زبان‌های فرنگی که با پیشوند trans آغاز می‌شدند، از این پیشوند بهره‌گیری نشده بود. مانند پیشروی دریا (transgression)، همبری گذرینه (تدریجی) (transitional) و... درباره‌ی گسله‌ای که در زبان انگلیسی آن را transform می‌گویند، دو هم ارز زبان پارسی در نوشتارها آمده است. که یکی ترا ریخت و دیگری "ترادیس"، آن یکی برگردان واژگانی است که بهتر بود آنرا گسله‌ی ترا ریختاری می‌نوشتند. دیگری (ترادیس) که واژه ایست آمیغی (ترکیبی) که در آن دووند پارسی ترا (پیشوند) و دیس (پسوند) با هم پیوند داده شده است. چنین شیوه‌ای در زبان پارسی نیست و نمی‌توان آن را پذیرفت.

۳- درباره‌ی کاربرد وندهای زبان پارسی سخن بسیار است اما این زمان بگذار تا گاه دگر. نکته‌هایی درباره‌ی واژه‌های پارسی که تاکنون بکار برده شده اما نارسایی آنها بسیار و می‌توان آرام آرام راه درست را پیش گرفت.

واژه‌هایی که همگانی شده و شاید نتوان آنها را دگر نمود نمونه‌وارهایی چند از این گونه واژه‌ها تنگ: در کوهستان هزار تنگ (زاگرس) پدیده‌ی ویژه ایست از گونه‌ی تنگ دره که آن را تنگ می‌گویند. واژه‌ی تنگ یک فروزه است و نمی‌توان آن را به جای نام واژه بکار برد. این پدیده در زبان انگلیسی gorge است همین پدیده در کوهستان البرز به نام تنگ خوانده می‌شود که از گونه‌ی فروزه با پسوند "ه" است و درست می‌باشد. مردم بومی و بر پایه‌ی آنها در نوشتارهای ایرانی و انیرانی، همان واژه‌ی تنگ را بکار برده‌اند اما می‌توان تنگه را هم نوشت.

راه آهن: از نگاه دستور زبان پارسی می‌بایست آنرا "راه آهنی" می‌گفتند که چنین نشده و ماندگار شده است. و یا و: و یک واژه پیوند میان دو نام است که در زبان تازیک می‌باشد. اما در زبان پارسی و می‌شود که مانند و از آن یاد می‌شود و شده است! نمونه وار سیستان و بلوچستان (با و تازیک است که درست آن سیستان و بلوچستان است) نمونه‌وارهای فراوانی در این زمینه است. به سخن دیگر، هر دو آوای و و در زبان فراوانند. در چامه‌های چکامه سرایان ایرانی کم و بیش همه جا با و آمده است: زیباترین و گویاترین آن در چامه‌هایی است که آنها را از استاد توس دانسته‌اند: به روز نبرد آن یل ارجمند به شمشیر و خنجر به گرز و کمند. بریده و درید و شکست و بیست - سر و سینه و پا و دست (نمی‌توان و را بکار برد)

۴- واژه‌هایی که بکار برده شده اما با نارسایی و نادرستی همراه‌اند.
- نهشته هشته

- نهشتن: ن پیشوندی است که به سوی زمین را می‌رساند وهشتن = نهادن می‌باشد که در هر جایی می‌تواند باشد.
- بنابراین نهشتن برای (deposition) درست است و هشته با نارسایی همراه است و کاربرد درستی ندارد. به سخنی دیگر نهشته = نهشت + ه، در خورتر واژه انگلیسی (deposit) است.

- است هست: این دو واژه هر دو کم و بیش به یک آرش (معنا) اند اما اندک نابرابری در آنهاست. هر دو بودن را می‌رسانند اما هست نشانه‌ی بیشتر دانستن را می‌رساند. بنابراین در نوشتارها بایسته است گونه‌ی بودن، به نگاه در آید. کتاب آنجا هست گویا تر آنست از کتاب آنجاست - باختر باختری: این دو واژه برای جایگاه‌های جغرافیایی یکسان نیستند. باختر ایران، جایی است برون از ایران اما ایران باختری بخشی از ایران است که در سوی باختر آن می‌باشد. همچنین خاور و خوری و...
- ۵- واژه‌هایی نادرست اند و آنها را درست انگاشته و بکار برده‌اند و به سادگی می‌توان آنها را درست بکار برد.

امرداد - مرداد: = پیشوند بی و نا می‌باشد و مرداد از مرگ و میر است بنابراین امرداد = بی مرگی و جاودانگی درست است.
- سینه کار جبهه‌ی کار: واژه‌ی پارسی سینه کار در گالری‌ها و تونل و کارهای دیگر بسیار زیباتر و درست‌تر از جبهه‌ی تازی است.
- مار برداری - آمارگری: آمار هر چیزی در جایی نیست که بتوان درست دراز کرد و آن را بردانست. بررسی‌ها و کوشش‌ها نیاز است تا آمار یک چیز بدست آید. بنابراین آمارگری درست است.
- گودبرداری - گودکنی: در این واژه نیز برداشتن درست نیست. گودبرداری کارسازتر است تا به جای گودکنی بکار رود.